

پرتو ساقی
(جامع احادیث مشنوی)
دفتر سوّم

دکتر کاظم محمدی

Dr. Kazem Mohammadi

محمّدی وایقانی. کاظم، ۱۳۴۰.

پرتو ساقی (جامع احادیث مثنوی) دفتر سوم / کاظم محمّدی.

کرج نجم گیری، ۱۳۹۲.

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۴-۸ دوره ۸

شابک

۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۷-۹

شابک جلد ۳:

مولوی، جلال الدین محمد بن محمد ۶۰۴-۶۷۲ق. مثنوی -- نقد و تفسیر.

مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. مثنوی -- احادیث.

کتابنامه: ص [۲۸۳] - هم چنین به صورت زیر نویس.

شعر فارسی -- قرن ۷ق -- تاریخ و نقد.

احادیث در ادبیات فارسی.

PIR ۵۳۰۱/م۳۵/۴

۱۳۹۲

۸ق۱/۳۱

۳۳۶۸۲۵۲

نام کتاب: پرتو ساقی (جامع احادیث مثنوی) دفتر سوم

نویسنده: دکتر کاظم محمّدی

انتشارات: نجم گیری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف

تیراژ: ۱۰۰۰

سال انتشار: ۱۳۹۳

بهای دوره: ۲۰۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول: ۹۳

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۴-۸

شابک جلد سوم: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۷-۹

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۳	۱-۲۳۷ ای ضیاء الحق حسام الدین بیار...
۱۶	۲-۲۳۸ چون که موصوفی به اوصاف جلیل ...
۲۴	۳-۲۳۹ اولیاء اطفال حقّند ای پسر ...
۲۷	۴-۲۴۰ من برون کردم ز گردن وام نُصح ...
۲۷	۵-۲۴۱ مال ایشان خون ایشان دان یقین ...
۲۹	۶-۲۴۲ آن که یابد بوی رحمان از یمن ...
۳۵	۷-۲۴۳ آن بلال صدق در بانگ نماز ...

- ۴۲ ۲۴۴-۸ بهر این فرمود با موسی خدا ...
- ۴۴ ۲۴۵-۹ گفت حقّ است این ولی ای سیبویه ...
- ۴۸ ۲۴۶-۱۰ حزم آن باشد که ظنّ بدّ بری
- ۵۱ ۲۴۷-۱۱ چون قضا آید شود تنگ این جهان
- ۵۲ ۲۴۸-۱۲ آن که گندم را ز خود روزی دهد
- ۵۲ ۲۴۹-۱۳ ده مرو ده مرد را احقّ کند
- ۵۵ ۲۵۰-۱۴ شادمانه سوی صحرا رانند
- ۵۷ ۲۵۱-۱۵ هر چه بر مردم بلا و شدّت است
- ۵۷ ۲۵۲-۱۶ مال، مار آمد که در وی زهرهاست
- ۵۹ ۲۵۳-۱۷ چون سفالین کوزه‌ها را می‌خری
- ۶۰ ۲۵۴-۱۸ عقل بفروش و هنر حیرت بخر
- ۶۴ ۲۵۵-۱۹ آن چنان که از نیست در هست آمدی
- ۶۷ ۲۵۶-۲۰ گفت نکته‌ی الرّضا بالکفر کفر
- ۶۹ ۲۵۷-۲۱ باز فرمود او که اندر هر قضا
- ۷۱ ۲۵۸-۲۲ ربع قرآن هر که را محفوظ بود
- ۷۴ ۲۵۹-۲۳ قهر را از لطف داند هر کسی
- ۷۶ ۲۶۰-۲۴ اختلاف عقل‌ها در اصل بود
- ۸۰ ۲۶۱-۲۵ هم چنان که سهل شد ما را حَضَر
- ۸۱ ۲۶۲-۲۶ در حدیث آمد که دل هم چون پری است

- ۸۳ ۲۶۳-۲۷ در حدیث دیگران دل دان چنان
- ۸۵ ۲۶۴-۲۸ این جهان خواب است اندر ظن مایست
- ۸۸ ۲۶۵-۲۹ این جهان را که به صورت قائم است
- ۹۱ ۲۶۶-۳۰ گفت پیغمبر که شیخ رفته پیش
- ۹۴ ۲۶۷-۳۱ گفت پیغمبر که روز رستخیز
- ۹۸ ۲۶۸-۳۲ صالحان اتم خود فارغند
- ۹۹ ۲۶۹-۳۳ همچو قرآن که به معنی هفت توست
- ۱۱۱ ۲۷۰-۳۴ گفت پیغمبر شما را ای مهان
- ۱۱۸ ۲۷۱-۳۵ ز آن سبب که جمله اجزای منید
- ۱۲۲ ۲۷۲-۳۶ جزو از کل قطع شد بی کار شد
- ۱۲۵ ۲۷۳-۳۷ گر چه مدح از تو هم آمد خجل
- ۱۲۷ ۲۷۴-۳۸ کور ظاهر در نجاسه‌ی ظاهر است
- ۱۲۹ ۲۷۵-۳۹ در تحیات و سلام الصالحین
- ۱۳۲ ۲۷۶-۴۰ حق همی گوید چه آوردی مرا
- ۱۳۶ ۲۷۷-۴۱ بچه بیرون آر از بیضه‌ی نماز
- ۱۴۰ ۲۷۸-۴۲ راست فرموده است با ما مصطفی
- ۱۴۳ ۲۷۹-۴۳ در گوی و در چهی ای قلبان
- ۱۴۵ ۲۸۰-۴۴ کز نهم تا راست گردد این جهان
- ۱۵۰ ۲۸۱-۴۵ ظلم مستور است در اسرار جان

- ۱۵۳ ۲۸۲-۴۶ نیست حاجت شهره گشتن در گزند
- ۱۵۵ ۲۸۳-۴۷ عیسی مریم به کوهی می گریخت
- ۱۵۷ ۲۸۴-۴۸ کای خدا خصم مرا خشنود کن
- ۱۶۰ ۲۸۵-۴۹ اصلشان بد بود آن اهل صبا
- ۱۶۴ ۲۸۶-۵۰ این غلط ده دیده را حرمان ماست
- ۱۶۷ ۲۸۷-۵۱ این حروف حال هات از نسخ اوست
- ۱۶۹ ۲۸۸-۵۲ نوح اندر بادیه کشتی بساخت
- ۱۷۱ ۲۸۹-۵۳ رنج ها داده ست کان را چاره هست
- ۱۷۲ ۲۹۰-۵۴ ساخت موسی قدس در باب صغیر
- ۱۷۳ ۲۹۱-۵۵ روی ناشسته نبیند روی حور
- ۱۷۶ ۲۹۲-۵۶ ای بسا عالم زدانش بی نصیب
- ۱۷۷ ۲۹۳-۵۷ تاجر ترسنده طبع شیشه جان
- ۱۷۸ ۲۹۴-۵۸ قوم دیگر سخت پنهان می روند
- ۱۸۰ ۲۹۵-۵۹ یا نمی دانی گرم های خدا
- ۱۸۳ ۲۹۶-۶۰ اندر آن وادی گروهی از عرب
- ۱۸۸ ۲۹۷-۶۱ هم از آن ده یک زنی از کافران
- ۱۹۱ ۲۹۸-۶۲ هردو پا شست و به موزه کرد رای
- ۱۹۳ ۲۹۹-۶۳ گرم تر شد مرد ز آن منعش که کرد
- ۱۹۷ ۳۰۰-۶۴ نیست قدرت هر کسی را سازوار

- ۲۰۰ ۳۰۱-۶۵ فقر از این رو فخر آمد جاودان
- ۲۰۰ ۳۰۲-۶۶ اصل ما را حق پی بانگ نماز
- ۲۰۱ ۳۰۳-۶۷ موج می زد در دلش عفو گنه
- ۲۰۲ ۳۰۴-۶۸ ورنه لاعین رأت چه جای باغ
- ۲۰۶ ۳۰۵-۶۹ چون سجودی یار کوعی مرد، کشت
- ۲۰۸ ۳۰۶-۷۰ کشتن این نار نبود جز به نور
- ۲۰۹ ۳۰۷-۷۱ خشم تو نخم سعیر دوزخ است
- ۲۱۰ ۳۰۸-۷۲ هم چنان که وسوسه و وحی الس
- ۲۱۴ ۳۰۹-۷۳ ور ندانی این دو فکرت از گمان
- ۲۱۵ ۳۱۰-۷۴ آن یکی یاری پیمبر را بگفت
- ۲۱۶ ۳۱۱-۷۵ که تائی هست از یزدان یقین
- ۲۱۸ ۳۱۲-۷۶ جویکی کوچک که دایم می رود
- ۲۱۹ ۳۱۳-۷۷ چنگ لو کم چون چنین اندر رحم
- ۲۲۰ ۳۱۴-۷۸ چون دوم بار آدمی زاده بزاد
- ۲۲۱ ۳۱۵-۷۹ پس ز شرح سوز او کم زن نفس
- ۲۲۵ ۳۱۶-۸۰ کودکان خندان و دانایان ترش
- ۲۲۶ ۳۱۷-۸۱ بعد ضد رنج آن ضد دگر
- ۲۲۸ ۳۱۸-۸۲ ای خنک آن را که ذلت نفس
- ۲۳۲ ۳۱۹-۸۳ مسکن یار است و شهر شاه من

- ۲۳۶ ۳۲۰-۸۴ گفت الدّین نصیحه آن رسول
- ۲۳۸ ۳۲۱-۸۵ گفت پیغمبر سپهدار غیوب
- ۲۴۰ ۳۲۲-۸۶ گفت پیغمبر که انّ فی البیان
- ۲۴۳ ۳۲۳-۸۷ کلکم راع نبی چون راعی است
- ۲۴۶ ۳۲۴-۸۸ بل زر مضروب ضرب ایزدی
- ۲۴۸ ۳۲۵-۸۹ ایمنان را من بترسانم به خلم
- ۲۵۰ ۳۲۶-۹۰ چون نشان مؤمنان مغلوبی است
- ۲۵۱ ۳۲۷-۹۱ گفت پیغمبر که معراج مرا
- ۲۵۵ ۳۲۸-۹۲ بنگرم سرّ عالمی بینم نهان
- ۲۵۸ ۳۲۹-۹۳ گفت پیغمبر که هستند از فنون
- ۲۵۸ ۳۳۰-۹۴ ز آن همی خندم که از زنجیر و غل
- ۲۶۴ ۳۳۱-۹۵ چون کراحت رفت خود آن مرگ نیست
- ۲۶۷ ۳۳۲-۹۶ تا نلرزد عرش از ناله‌ی یتیم
- ۲۶۸ ۳۳۳-۹۷ حق به من گفته است هان ای دادور
- ۲۶۹ ۳۳۴-۹۸ سخت پنهان است و پیدا حیرتش
- ۲۷۳ ۳۳۵-۹۹ با دو عالم عشق را بیگانگی
- ۲۸۰ ۳۳۶-۱۰۰ گفت پیغمبر که چون کوبی دری
- ۲۸۳ گزیده کتابنامه

مقدمه دفتر سوّم

مولانا جلال الدین محمد خراسانی، فقیه عارفی است که خداوند، فهم آیات نورانی خود را به همراه هم نشینی مستمر با نور و کلمات نورانی رسول خود، به وی ارزانی داشته است. این است که وی را به قوّت تمام، هم مترجم و مفسّر آیات قرآن می بینیم که گاهی از این نیز فراتر رفته و به تأویل آیات الهی می پردازد، و هم محدّثی می بینیم که احادیث رسول گرامی اسلام را روایت می کند. عشق مولانا به آیات قرآن و کلمات نورانی خداوند، و ارادت او به رسول خاتم و حظّ و بهره اش از سخنان بی نظیر او باعث شده تا عرفانی ناب را از وی شاهد باشیم.

عرفانی با معرفت خدا و رسول،

عرفانی سرشار از نور و هدایت،

عرفانی پخته و دارای شور و شعور،

عرفانی دور از نفس،

عرفانی معقول و حکیمانه،

عرفانی قرآنی و حدیثی،

عرفانی با ولایت علوی،

عرفانی نورانی و راهگشا.

آنچه عرفان مولانا و کتاب مثنوی را قابل توجه می‌کند کلمات آسمانی قرآن و سخنان بلند و ارزشمند رسول خدا و علی مرتضی است که وی در اندیشه‌ی پخته و سخته‌ی خود رویکردی تأویلی به آن‌ها داشته است. در مثنوی نه تنها کلمات و حیانی و سخنان بی نظیر خداوند تأویل می‌شود بلکه احادیث رسول خدا نیز تأویل پذیراند. و مولانا نه تنها دانای تأویل احادیث است بلکه از عهده‌ی این مسئله نیز به خوبی برآمده و مفاهیم ناب و نغز عرفانی را برای مخاطبان و مریدان خود ارائه داده است.

کتاب حاضر سومین دفتر از دفاتر شش گانه‌ی مثنوی است که احادیث آن را مطرح و اسناد و شواهد هریک را به طور گسترده بیان می‌کند. در این دفتر نیز چونان دو دفتر گذشته از اسناد حدیثی شیعه و اهل سنت استفاده کرده و در کنار آن روایات اهل عرفان و تصوف را هم نقل نمودیم تا مجموعه‌ای کامل از روایات شریعت و طریقت را در بر داشته باشد، تا خواست الهی برای رساندن و فهماندن حقیقت در کجا و برای چه کسی منظور شود.

و من الله التوفیق

کاظم محمدی